

آئین زرتشت از دیدگاه ما

تألیف:

مصطفی حسینی طباطبائی

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

فهرست مطالب

۴.....	اسلام و آئین مجوس
۶.....	انصاف اسلام
۹.....	آئین شرک آمیز
۱۱.....	احکام و رسوم خرافی
۱۴.....	شبهات مُبلغان زرتشتی

بنام خدای بخشنده مهربان

خدای یکتا را از دل و جان می ستاییم و بر همه پیامبران بویژه بر واپسین آنان محمد مصطفی ﷺ درود فراوان می فرستیم.

مدتی است که گروهی از نویسندگان و گویندگان زرتشتی مآب اسلام را مورد تاخت و تاز قرار می دهند، اخیراً این تحریکات در بعضی از مناطق کشور رو به فزونی نهاده است، و گروه مزبور مسلمانان را به ترک آئین خود و روی آوردن به زرتشتیگری فرا می خوانند، یکی از دوستان شهرستانی با نگرانی و شتاب از صاحب این قلم خواسته است تا نظر اسلام و دیدگاه محققان اسلامی را در باره آئین زرتشتی توضیح دهم و به پاره‌ای از انحرافات این آئین اشاره کنم، و برخی از شبهات مبلغان آن را پاسخ گویم. اینجانب سعی کرده‌ام با رعایت ادب و انصاف، چند کلمه‌ای به ایجاز و اختصار در این باب بنویسم تا آن درخواست مشروع را اجابت کرده باشم. امیدوارم فرصتی دیگر پیش آید و در این زمینه سخن را به تفصیل برم و با بهره‌گیری از یادداشت‌هایم بسط مقال دهم، و مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ.

تهران - زمستان ۱۳۸۴ هـ. ش.

مصطفی حسینی طباطبائی

اسلام و آئین مجوس

ما اگر از دلالت قرآن و روایت پیامبران صرف نظر کنیم، هرگز نمی‌توانیم به حقانیت زرتشت و آئین او پی ببریم، زیرا که اولاً زمان ظهور زرتشت و شرح اقدامات او روشن نیست، و ثانیاً کتاب اوستا که بدو منسوب شده، از گزند فزونی و کاستی محفوظ نمانده است. پس نه پیامبر این آئین را به خوبی می‌توان شناخت و نه کتاب و پیام وی را به درستی می‌توان یافت، حتی زمان ظهور زرتشت معلوم نیست که وی در کدام عصر می‌زیسته است؟ ابراهیم پور داود که عموم زرتشتیان وی را سرآمد اوستاشناسان اخیر می‌دانند، در دیباچه‌ای که برگاتنها^(۱) نگاشته، در بارهٔ زمان زرتشت می‌نویسند: «در این خصوص روایات به اندازه‌ای مختلف است که ابدأ صلح و سازشی میان آنها نمی‌توان داد»^(۲).
باز می‌نویسد:

«تحقیقاً نمی‌دانیم محل ولادت و زمان زندگانی زرتشت کجا و کی بود، چرا؟ برای آنکه زرتشت متعلق به یک زمان بسیار قدیم است که دست تاریخ به آستان بلند آن نمی‌رسد»^(۳).
در کتاب‌های زرتشتیان تصریح شده که اسکندر مقدونی کتاب اوستا را که در «دژ نپشتک» نگاهداری می‌شد به آتش کشید و از بین برد، و این دژ بخشی از قصد سلطنتی تحت جمشید و بمنزلهٔ «دفترخانه» آنجا بود. چنانکه تنسر هیربد زمان اردشیر بابکان در هزار و هفتصد سال پیش به پادشاه طبرستان جسنفشاه نوشت:
«می‌دانی که اسکندر از کتاب دین ما دوازده هزار پوست گاو بسوخت به استخر»^(۴).

(۱) - گاتها کهنترین بخش اوستا به شمار می‌آید.

(۲) - گاتها، ترجمهٔ پور داود، صفحه ۲۸ از دیباچه.

(۳) - گاتها، صفحه ۲۱ از دیباچه.

(۴) - به نامه تنسر با تصحیح مجتبا مینوی، صفحه ۱۱ نگاه کنید.

نامه تنسر از مآخذ بسیار قدیمی ایران عصر ساسانی به شمار می‌رود که ابن مقفع آن را از پهلوی به عربی برگردانده، و سپس ابن اسفندیار در «تاریخ طبرستان» آن را از عربی به فارسی ترجمه کرده است.

در تأیید این نامه ضمن کتاب «ارداویرافنامه» می‌خوانیم که نوشته است:

«اهریمن پتیاره برای بی‌اعتقاد کردن مردم به دین اسکندر رومی را برخیزاند و به غارت و ویرانی ایران شهر فرستاد تا بزرگان ایران بکشت، و این دین مانند اپستاک (اوستا) و زند^(۱) بر پوست گاو پیراسته و به آب زرین نوشته اندر استخر در گنج نپشت نهاده بودند و آن اهریمن پتیاره گجسته، اسکندر رومی را برانگیخت که بسوخت»^(۲).

پس از نابود شدن اوستا چندبار آن را از روی حافظه‌ها گردآوری کردند، ولی هیچگاه به تمام آن دست نیافتند و آنچه گردآوری شد نیز از تغییر و تبدیل و اختلاف مصون نبود.

پور داود در دیباچه گاتها می‌نویسد:

«تمام سخنان زرتشت را در دست نداریم، فقط جزو مختصری از آن‌ها به ما رسید»^(۳).

و در باره پریشانی و تحریف اوستا می‌نویسد:

«به نامه مقدس ایرانیان در طی روزگاران مصائب فراوان وارد آمد، اگر سخن پریشان بنظر رسید باید از کشاکش روزگار گله نمود، نه از سراینده»^(۴).

باز می‌نویسد:

«دینکرد (یکی از کتب زرتشتی)^(۱) ابدا در امور دینی مرمت کاری ندارد، پابند تعصب هم نیست، صراحتاً می‌گوید اوستایی که در دست داریم، آن کتاب مقدس قدیم نیست»^(۲).

(۱) - زند، تفسیر اوستا است، و پازند توضیح و تفسیر زند را گویند.

(۲) - به کتاب «اردوایرافنامه» ترجمه رشید یاسمی، صفحه ۱ نگاه کنید.

(۳) - گاتها، ترجمه پور داود، صفحه ۳۶ از دیباچه.

(۴) - گاتها، ترجمه پور داود، صفحه ۱۵ از دیباچه.

پرواضحست آئینی که کتاب و حیانی آن تحریف شده باشد و تاریخ زندگانی پیامبرش هم به درستی معلوم نباشد، اگر بپذیریم که روزگاری در خور پیروی بوده است، امروز دیگر دورانش سپری شده و قابل تبعیت نیست.

انصاف اسلام

با این همه ما مسلمانان به پیروی از یک آیه قرآن و سخن مروی از پیامبر بزرگوارمان، زرتشتیان را از اهل کتاب می‌دانیم و زرتشت را محترم می‌شماریم، هرچند زرتشتیان متعصب قدر اسلام را نشانند!

باید دانست که در قرآن مجید از پیروان زرتشت به «مجوس» تعبیر شده، و این همان کلمه‌ای است که در اوستا به صورت «مگ» (Mages) آمده، چنانکه در یسنای^(۳) ۲۹ بند ۱۱ و یسنای ۴۶ بند ۱۴ و یسنای ۵۱ بند ۱۱ و ۱۶ و یسنای ۵۲ بند ۷ دیده می‌شود. در اوستا واژه موغو (معادل با مُغ یا مجوس) نیز به کار رفته که با لغت «مگه» در سانسکریت پیوند دارد. به هر صورت، قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ [الحج: ۱۷].

یعنی: «همانا کسی که به (آئین اسلام) ایمان آورده اند و کسانی که یهودی و نصرانی و مجوسی شده اند، و کسانی که به شرک گراییده اند، خدا در روز رستخیز میان‌شان داوری خواهد کرد، همانا خدا بر هر چیز گواه است».

(۱) - دینکرد، کتابی در آداب و رسوم آئین زرتشتی است که به دست دو تن از موبدان برجسته در عصر

مأمون (خلیفه عباسی) گردآوری شده است.

(۲) - گاتها، ترجمه پور داود، صفحه ۵۱ از دیباچه.

(۳) - یسنا، بخشی از اوستا است و به معنای نیایش می‌آید.

در این آیه شریفه واژه مجوس با واو عطف به یهود و صابئین و نصاری معطوف شده و در ردیف اهل کتاب قرار گرفته است، در حالی که مشرکان بوسیله اسم موصول (الذین) از اهل کتاب جدا شده اند، و این خود نشان می دهد که قرآن کریم مغان را با بت پرستانی که شریعت و کتابی ندارند، همسان نمی شمارد.

در قدیمی ترین آثار سنت اسلامی مانند کتاب «الموطأ» اثر مالک بن انس و کتاب «الخراج» اثر قاضی أبو یوسف نیز می خوانیم که چون از پیامبر بزرگ اسلام ﷺ در باره رفتار حقوقی با مجوس پرسیدند، فرمود:

«سُنُّوا بِهِمْ سُنَّةَ أَهْلِ الْكِتَابِ»^(۱).

یعنی: «با آنان به روش اهل کتاب رفتار کنید».

و محققان می دانند که رفتار اسلام با اهل کتاب چگونه است که در حفظ دین خود آزادند و بنابر آیه ۸ سورة «الممتحنة» با آنان به شرط آنکه سرجنگ با مسلمانان نداشته باشند، باید به دادگری و نیکی رفتار کرد و بنابر آیه ۵ سورة «المائدة» می توانند آنان را به میهمانی دعوت کرد و میهمانی آنها را پذیرفت، و با زنان شان ازدواج کرد و...

در منابع شیعی از قول پیامبر گرامی اسلام ﷺ آورده اند که فرمود:

«إِنَّ الْمَجُوسَ كَانُوا لَكُمْ نَبِيًّا فَتَقَاتِلُوهُمْ وَكُتَابُ أَخْرَقُوهُ أَتَاهُمْ نَبِيَّهُمْ بَكْتَابِهِمْ فِي اثْنِي عَشَرَ أَلْفَ جُلْدٍ ثَوْر»^(۲).

یعنی: «مجوس را پیامبری بود که او را کشته و کتابی بود که آن را آتش زدند، پیامبرشان کتاب آنان را که در دوازده هزار قطعه از پوست گاو نوشته شد، برای ایشان آورد»^(۳).

(۱) - به الموطأ (اثر امام اهل سنت) جزء ۱، ص ۲۷ و کتاب «الخراج» (اثر قاضی عصر هارون الرشید) ص ۱۴۰ نگاه کنید.

(۲) - به کتاب «وسائل الشيعة» اثر حر عاملی، ج ۱۱، ص ۹۶ نگاه کنید.

(۳) - اهل کتاب همانا یهود و نصارا اند اما مجوسیه از اهل کتاب نیستند بلکه در مورد اخذ جزیه همانند اهل کتاب معامله می کردند. اما در موارد دیگر مانند به نکاح در آوردن زنان و حلال دانستن ذبیح شان با

و این حدیث با روایات زرتشتی در باره «قتل زرتشت» و گزارش نامه «تنسر» در زمینه نگارش اوستا بر دوازده هزار قطعه از پوست گاو همخوان است، و ما به استناد همین آثار اسلامی زرتشت را معزز داشته و زرتشتیان را از اهل کتاب و محترم می‌شمیریم، و در عین حال آئین زرتشتی را سپری شده می‌دانیم چرا که کتاب و پیام آسمانی زرتشت به سلامت نمانده و از خطر کاستی و تحریف برکنار نشده است، و این خود نشانه انقراض یک دین و فرارسیدن نوبت آئین تازه و کتاب استوار جدید است.

اهل کتاب یکسان نمی‌باشند اما سخن رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم که با آنها همانند اهل کتاب روش نمایند در مورد اخذ جزیه است. و این روش نبوی با مجوسی‌ها در این مورد بنابر شبهه داشتن کتاب آسمانی است. اما اینکه برخی می‌گویند که مجوسیها باید مانند اهل کتاب در همه موارد یکسان معامله گردند و در این زمینه به آثاری نقل شده از برخی از صحابه استدلال می‌ورزند. می‌گوییم که اولاً این آثار نقل شده ثابت نیست، مثلاً اثر علی رضی الله عنه که در سندش سعید بن المرزبان است که به گفته ابن القطان رحمه الله روایت از وی جایز نیست. و یا اینکه گفته می‌شود که حذیفه رضی الله عنه با زنی مجوسی ازدواج کرد، این روایت نیز از احتجاج بیرون است. از سوی دیگر حدیثی را که مالک رحمه الله در موطا و دیگران مانند ابن ابی شیبه، عبدالرزاق و شافعی رحمه الله روایت می‌کنند که با مجوسی‌ها در ستانیدن جزیه چون اهل کتاب روش نمایند، این حدیث نماینگر این حقیقت است که این گروه در دیگر موارد با اهل کتاب یکسان نیستند و اگر اهل کتاب می‌بودند عمر رضی الله عنه در ستانیدن جزیه از آنها درنگ نمی‌کرد.

ابو محمد ابن قدامه رحمه الله در اثر فقهی گرانهایش می‌نویسد: «ولیس للمجوس کتاب ولا تحل ذبائهم ولا نکاح نسائهم» مجوسی‌ها را کتابی نیست و نه ذبایح شان حلال اند و نه ازدواج با زنان شان.

با اینکه برخی فقها مانند ابو ثور رحمه الله بر این رای است که مجوسی‌ها مانند اهل کتاب باید در همه موارد یکسان معامله گردند اما این رای مخالف اجماع انعقاد یافته از عهد صحابه رضی الله عنهم است. (مُصحح)

آئین شرک آمیز

آئین زرتشت که در اصل دینی توحیدی بوده، بنابر اوستایی که امروز در دست است، آئینی کاملاً ثنوی و شرک آمیز شمرده می‌شود. در «وندیداد» آفرینش را میان اهورامزدا و اهریمن تقسیم نموده، و هر بخش را به یکی از آن دو نسبت می‌دهد! مثلاً می‌نویسد:

«من اهورامزاد دومین کشور با نزهت که آفریدم دشتی است که اقوام سغد در سکونت دارند، اهریمن پرمرگ بر ضد آن آفت ملخ پدید آورد»^(۱).

یا می‌نویسد:

«چهارمین کشور با نزهت که من اهورامزاد آفریدم بلخ زیبا با پرچم افراشته است، اهریمن پرمرگ بر ضد آن مورچه پدید آورد»^(۲).

به همین ترتیب و ندیداد نزاع اهورامزدا با اهریمن (انگر) را در سرزمین‌های گوناگون نشان می‌دهد، و خداوند هستی بخش را به ناتوانی در برابر رقابت اهریمن متهم می‌سازد.

اگر در وندیداد «شرکت در خالقیت» ترویج شده، در گاتها که مورد افتخار زرتشتیان است به «شرک در عبادت» سفارش می‌شود! و به همراه اهورامزدا فرشتگان یا امشاسپندان نیز مورد پرستش قرار می‌گیرند! چنانکه در قطعات ذیل ملاحظه می‌کنید:

[آنچه از من سر می‌زند ای «**و هومن**» و ای «**اشا**» نمازی که از مثل من تقدیم مانند شما کسانی می‌شود و سخنانی که برای نیایشان می‌سرایم، آنها را راست و درست بشمرید...]

(گاتها، ترجمه پور داود، صفحه ۴۵).

(۱) - وندیداد اوستا، ترجمه دکتر موسی جوان، صفحه ۵۹ [مقایسه شود با وندیداد، ترجمه آقای هاشم رضی، رضی، ج ۱، ص ۱۹۴ که به جای «ملخ» «مگس چارپایان» آورده است].

(۲) - وندیداد اوستا، ترجمه دکتر موسی جوان، صفحه ۶۱ [مقایسه شود با وندیداد، ترجمه آقای هاشم رضی، ج ۱، ص ۱۹۴ که به جای «مورچه»، «زنبور یا حشره‌ای زیان‌آور» ترجمه نموده است].

[ای توانا تر از همه، ای **مزدا اهورا** و ای **آرامتی** و ای **اشا**، ای **وهومن**، ای **خشترا**، ای کسانی که بخشایش فردوس در دست شماست به من گوش دهید و به من رحم آورید روزی که حساب و جزای هریک فرا رسد] (گاتها، ص ۴۷).

[شما راست سلطنت، شما راست توانایی، ای **مزاد**، ای **وهومن** و ای **اشا** خواهشم از شما این است که درماندگان و بیچارگان را دست گیرید] (گاتها، ص ۵۳).
اسلام برای همگان توحید ناب را به ارمغان آورده و پندار ثنویت و فرشته پرستی را محکوم نموده است. قرآن می فرماید:

﴿لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ﴾ [النحل: ۵۱].

یعنی: «دو معبود مگیرید جز این نیست که او خدایی یگانه است».
و قرآن می فرماید:

﴿وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلٰٓئِكَةَ وَالنَّبِيِّنَ اٰرْبَابًا اَيُّكُمْ بِالْكَفْرِ بَعَدَ اِذْ اَنْتُمْ مُّسْلِمُوْنَ﴾ [آل عمران: ۸۰].

یعنی: «شما را فرمان ندهد که فرشتگان و پیامبران را به اربابی (و خدایگانی) بگیرید، آیا از پسِ مسلمانی شما را به کفر فرمان دهد؟».
براستی آیا رواست که مسلمانان توحید خالص قرآن را واگذارند و به شرک اوستایی (در خالقیت و عبادت) روی آورند؟!

﴿فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾

«شما را چه شده؟ چگونه داوری می کنید؟».

در گاتها گاهی دیده می شود که زرتشت از اهورامزدا گِله می کند که چرا گاو و گوسفند بیشتری به او نداده است! چنانکه می خوانیم:

[من می دانم ای مزاد که چرا کاری از پیش نتوانیم برد، برای آنکه گله و رمه ام اندک و کارگران کم است نزد تو گله مندی ای اهورا...] (گاتها، ترجمه پور داود، ص ۸۷).

آیا ما دعا‌های عالی اسلام را فرو گذاریم و برای کاستی گله و رمه از خدای پاک گله‌مند شویم؟ آیا اینست معنای توحید اوستایی؟! در گاتها، اهورامزدا با فرشتگان «مشورت» می‌کند! آیا دانش مطلق نیاز به رایزنی با آفریدگان خود دارد؟! در گاتها آمده است:

[ای مزدا تویی پدر مقدس این خرد، ای کسی که جهان شادمانی‌بخش آفریدی و پس از مشورت با منش^(۱) پاک به توسط آرمتی به آن صلح و مسالمت دادی] (گاتها، ترجمه پور داود، ص ۱۰۱).

در گاتها قدرت اهورا مورد تردید قرار گرفته است، چرا که زرتشت از مزاد می‌پرسد:

[از تو می‌پرسم ای اهورا، به راستی مرا از آن آگاه فرما آیا تو را قدرت آن خواهد بود که او را (دشمن را) به دستیاری راستی از من دور داری؟] (گاتها، ترجمه پور داود، ص ۷۷).

آیا چنین معبود و خدایی با خدایی که قرآن معرفی می‌کند، یکسان است؟

احکام و رسوم خرافی

هیچ دینی بدون شریعت یا احکام و قوانین دینی نیامده است، ما اگر بخواهیم از مقررات آئین زرتشت آگاه شویم، نمی‌توانیم به گاتها بسنده کنیم که در آنجا مقداری نیایش و سرود و پرشش آمده است، بلکه باید به بخشهای دیگر از اوستا، همچون وندیداد بنگریم و در آنجا به تماشا بنشینیم! در وندیداد احکام عجیب و غریبی آمده که قطعاً مورد پذیرش روشنفکران زرتشتی نیست، ولی چاره چیست؟ دین که بی‌قانون و شریعت نمی‌آید، پس ناگزیر باید دوران این دین را «به آخر رسیده» بدانیم! در اینجا به آوردن نمونه‌هایی چند از این احکام شگفت بسنده می‌کنیم و داوری را به زرتشتیان منصف می‌سپاریم.

(۱) - منش پاک، ترجمه نام فرشته «وهومن» است که جا داشت، در اینجا مانند جاهای دیگر، مترجم نام فرشته (نه ترجمه آن) را می‌آورد.

در وندیداد تکلف زنی را که کودک مرده بزاید چنین تعیین کرده است:
 [این آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم، نخستین خوراک و غذای این زن
 چه خواهد بود؟ اهورامزدا پاسخ داد و گفت: این زن باید یک مقدار خاکستر آمیخته باشاش
 گاو به اندازه سه لقمه، شش لقمه یا نه لقمه میل کند]^(۱).
 در وندیداد سرانجام کسی که بر روی جسد مرده، یک نخ بیافکند چنین تعیین شده
 است:

[اگر یک مزدپرست روی جسد مرده یک شیء کم ارزش ولو به قدر آنچه از
 دوک جولایی و نخریسی یک دختر جوان باقی مانده، بیدازد تا زنده است پارسا شمرده
 نمی شود و پس از مرگ در بهشت جای نخواهد داشت]^(۲).

در وندیداد نسبت به زنانی که حائض شده اند چنین آمده است:
 [این زن هرگاه پس از نه شب بازهم در خون حیض باشد چنین معلوم خواهد شد که
 دیوها در جشن و بزرگداشت خودشان آفت خود را به این زن نازل ساخته اند. مزدپرستان
 در این موقع باید یک معبر (گذرگاه) که از درخت و گیاه خالی باشد انتخاب نمایند و سه
 سوراخ در زمین بکنند و زن را در دو سوراخ اول با شاش گاو و در سوراخ سوم با آب
 شستشو دهند]^(۳). البته این شستشو و یژه زن حائض نیست، وضوء با گمیز یا گومز یعنی ادرار
 گاو! در آئین زرتشت شهرت دارد^(۴) و ظاهراً خبر همین قانون به اُبی العلّاء معری (شاعر
 عرب) رسیده که گفته است:

(۱) - وندیداد، ترجمه دکتر موسی جوان، ص ۱۲۸ [برای اطلاع بیشتر به جلد دوم وندیداد، با پژوهش آقای

هاشم رضی، ص ۶۵۲ نیز بنگرید].

(۲) - وندیداد، ترجمه دکتر موسی جوان، ص ۱۴۰.

(۳) - وندیداد، ترجمه دکتر موسی جوان، ص ۲۴۰.

(۴) - برای دیدن این حکم به وندیداد، ج ۳، ص ۷۲۵ با پژوهش آقای هاشم رضی نگاه کنید.

در ش—گفتم از خس—رو و پی—روانش
که چهره—ها را با ش—اش گاو می‌شویند!

زنی که حیض بیند که اصطلاحاً او را «زن دشتان» گویند، احکام غریبی دارد. از جمله آن که در وندیداد می‌خوانیم:

[ای آفریننده جهان جسمانی و ای مقدس، بگو بدانم مردی که برای این زن غذا و خوراک همراه آورد - زنی که نشان حیض دیده و یا در قاعدگی زنانه باشد - باید از وی در چه فاصله باشد؟

اهورامزدا پاسخ داد و گفت: مردی که برای این زن غذا و خوراک همراه آورد - زنی که نشان حیض دیده و یا در قاعدگی باشد - باید از وی سه گام فاصله داشته باشد.
در کدام ظرف باید نان برای وی همراه آورد، در کدام ظرف باید آب جو برای وی همراه آورد؟

در یک ظرف آهنی یا سربی و یا هر ظرف فلزی معمولی.
چه مقدار نان و چه مقدار آب جو باید همراه آورد؟
اهورامزدا پاسخ داد و گفت: دو قطعه نان خشک و یک مقدار آب جو - یا شربت جو - و از خوراک کم ممکن است ناتوان و ضعیف شود.
هرگاه وی را کودک لمس نماید باید دست‌ها و سپس تن کودک شستشو شود^(۱).
خویتودس یا ازدواج با ارحام (مانند خواهر و غیره) در آئین زرتشتی نیک شمرده شده و زرتشتیان بدان ترغیب گشته اند!

در ضمن یکی از استفتاءهایی که از هیربدان زرتشتی شده، پرسیده اند:
[اگر ازدواج با محرم با مادر یا خواهری باشد که امید به بچه‌دار شدن آنها نیست، آیا این یک «ازدواج با محرم» کامل محسوب می‌شود و اصولاً حکم بر چنین ازدواجی چگونه

(۱) - وندیداد، ترجمه دکتر موسی جوان، ص ۲۳۹.

خواهد بود؟ آیا ثواب هر ازدواج با محرم یکسان است یا بخش‌هایی از آن دارای مزیت بیشتری خواهند بود؟]

پاسخ هیربد زرتشتی چنین است:

[ازدواج با محرم، با هریک از سه (مادر، خواهر، دختر) قطع نظر از سن، ازدواج کامل محسوب می‌شود به این جهت اگر هم فرزندی به وجود نیابد، ثواب این ازدواج کاهش نمی‌پذیرد]^(۱).

اینها نمونه‌های اندکی از احکام و شرایع زرتشتی است، تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

شبّهات مُبلغان زرتشتی

گاهی می‌گویند که قرآن به زبان عربی و برای عربها آمده است نه برای پارسی‌زبانان که زبان قرآن را نمی‌فهمند!

پاسخ اینست که اولاً: پارسی‌زبانان امروز زبان اوستایی را هم نمی‌فهمند که به سانسکریت نزدیک است، و با فارسی دری که ما بدان سخن می‌گوییم از زمین تا آسمان فاصله دارد. پس شما باید فارسی‌زبانان امروز را هم به زرتشتیگری و کتاب اوستا فرا نخوانید و دست از تبلیغ بردارید! ثانیاً: قرآن هرچند به زبان عربی نازل شده ولی خطابش: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾ و

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾ و ﴿يَبْنَىءَ آدَمَ﴾ است و فرموده: «يا أيها العرب!» بلکه تصریح فرموده که

برای جهانیان آمده است، چنانکه می‌فرماید: ﴿إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ [التکویر: ۲۷]

(۱) - به کتاب روایت «امید آشوهیستان» صفحه ۱۸۱ و ۱۸۲ که به وسیله خانم دکتر نزهت صفای اصفهانی از متن پهلوی به فارسی ترجمه شده نگاه کنید، ضمناً به جلد ۲ و ندیداد، با پژوهش آقای هاشم رضی، ص ۹۲۵ به بعد هم بنگرید.

یعنی: «قرآن جز پندی برای جهانیان نیست» و در بارهٔ پیامبر اسلام فرموده: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۷] یعنی: «تو را جز رحمت برای جهانیان نفرستادیم».

باز می‌فرماید: ﴿قُلْ يَتَّيِّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾ [الأعراف: ۱۵۸] یعنی: «بگو: ای مردم من فرستادهٔ خدا به سوی همهٔ شما هستم» و در میان اصحاب پیامبر ﷺ افراد رومی و فارسی و حبشی بودند، چنانکه صهیب رومی و بلال حبشی و سلمان (روزبه) پارسی وجود داشتند و پیامبر اسلام ﷺ به آنها نفرمود که من بر شما رسالت ندارم و دست از مسلمانی بازدارید! و به آئین پدران خود برگردید، بلکه برعکس پیامبر ﷺ برای شاه ایران (خسرو پرویز) و پادشاه حبشه (نجاشی) و امپراتور روم (هرقل) نامه نوشت و آنها را به دین اسلام فرا خواند، چنانکه در تواریخ معتبر آمده است، و متن نامه‌هایی رسول اکرم ﷺ را نقل نموده اند. ثالثاً: حقایق به زبانی بیان شوند، لازمست مورد پذیرش قرار گیرند و عربی و پارسی و انگلیسی و روسی و... تفاوت نمی‌کند، امروز دانشمندان غرب آثار خود را در پزشکی و تاریخ و فلسفه و علوم غالباً به زبان انگلیسی می‌نویسند، آیا این دلیل می‌شود که ما ادعا کنیم آراء علمی آنها را نمی‌پذیریم، چون به زبان انگلیسی نگاشته شده و زبان مادری ما پارسی است؟!

گاهی می‌گویند: اسلام به زور شمشیر به ما تحمیل شده است! جواب این است که اولاً شما زرتشتی هستید نه مسلمان! دیگران هم می‌توانستند مانند شما آئین پدران خود را حفظ کنند ولی مسلمان شدند. ثانیاً: پیامبر اسلام ﷺ فرمود که با شما به روش اهل کتاب رفتار شود و اهل کتاب در دین خود آزادند و از صدر اسلام تاکنون یهود و نصاری در میان مسلمین زندگی می‌کنند و کنیسه و کلیسا دارند، چنانکه شما هم آزاد بوده و هستید و آتشکده داشته و دارید و مراسم دینی خود را اجرا می‌کنید. مسلمانان هم که به ایران آمدند با ارتش یزدگرد جنگ داشتند، نه با مردم ایران و دین زرتشت. ارتش ساسانی از عصر خسرو پرویز در

مخالفت با مسلمین کوتاهی نمی‌کرد و از قبائل آشوبگر عرب بر ضد حکومت مرکزی حمایت می‌نمود، بدین دلیل بود که مسلمانان متعرض آنان شدند و جنگ به داخل ایران کشیده شد^(۱) و گرنه شعار قرآن: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ [البقرة: ۲۵۶] است، یعنی: «هیچ اجباری در دین نیست» و ما اسلام را هرگز به دینداران تحمیل نمی‌کنیم، چه مسیحی باشند یا زرتشتی یا غیر ایشان^(۲).

(۱) - تفصیل موضوع را در کتاب «دین‌ستیزی نافرجام» اثر همین قلم از صفحه ۲۴ به بعد ببینید.

(۲) - این تعلیل نویسنده که گویا سبب نبرد علیه یزدگرد و لشکرکشی مسلمین همانا برانگیختن برخی قبایل عربی علیه نظام اسلامی در جزیره عرب بود تعلیل بعید از طبیعت راستین اسلام است، بلکه گفتگوهای هیئت‌های مسلمین با رستم فرمانده سپاه خط بطلان بر این انگیزه می‌کشد جهاد در اسلام بخاطر اعلای کلمه الله و برافراشتن درفش توحید در این کره خاکی است تا آنانیکه حایل واقع می‌شوند و نمی‌گذرانند توحید حاکم بر جامعه بشری باشد و در این راستا موانع ایجاد می‌نمایند هدف از جهاد ازاله این‌ها و اعتلای کلمه الله است که در حاکمیت قرآن نهفته است نه آن چنانکه برخی زعم می‌کنند، و گسترش دامنه فتوحات در عهد خلفای راشدین رضی الله عنهم تعلیلی می‌نمایند که اصلاً با اسلام بت‌شکن سازگار نیست.

علت اصلی این فتوحات همانا کلمه زیبای ربی بن عامر رضی الله عنه به رستم فرمانده سپاه ایران است که گفت: الله ما را بیرون کرده است که کسی را از بندگانش که (الله) بخواهد از عبادت بندگان به سوی عبادت الله و از جور ادیان به سوی عدل اسلام و از تنگنای دنیا به سوی فراخنای آخرت خارج نمایم». این گفتگو بازتاب کننده علت لشکرکشی مسلمین است.

اما استدلال به آیه مبارکه «لا إكراه فی الدین» در این جا موردی ندارد اگر به شان نزول این آیه بنگریم این استدلال را از اساس منهدم می‌نماید بلکه به ده‌ها برداشت‌های مغلطی را از این آیه که برخی‌ها آن را در نوشتارهای شان می‌نویسند خط بطلان می‌کشد.

این آیه مورد ویژه خود را دارد نه آن چنانکه برخی می‌پندارند و برداشت‌های عجیبی را می‌نمایند که یکسره با رهنمودهای قرآن منافات دارند بلکه برخی فراتر می‌روند و از حکم کشتن مرتد انکار می‌ورزند و به همین آیه می‌چسبند گویا این‌ها بعد از قرن‌ها توانستند این حکم را بیابند و همه فقها را تخطئه نمایند.

گاهی می‌گویند: اسلام را سلمان پارسی اختراع نموده و به محمد آموخته است! پاسخ آنست که سلمان به گزارش تواریخ در مدینه به حضور پیامبر ﷺ رسید نه در مکه! و در آن هنگام سیزده سال از دعوت پیامبر می‌گذشت و قریب ۸۰ سوره از قرآن نازل شده بود، در این مدت خبری از سلمان نبود. سپس او که برده شده بود به دست مسلمانان آزاد گشت و به شرف اسلام نائل آمده و تابع بودند نه متبوع، و مرید بود نه مراد!

مسلمانان هم زمانیکه بر ایران دست یافتند، او را به فرمانروایی «تیسفون» گماشتند (نه یک مسلمان عرب را!) و سلمان نیز با کمال زهد و پارسایی حکومت کرد و از بیت المال حقوق نگرفت، بلکه از دسترنج خود (حصیربافی) بهره می‌برد، و نشان داد که مسلمانی باایمان و پرهیزکار است نه نیرنگ‌بازی دین‌فروش!

گاهی می‌گویند: آئین زرتشت برتر از سایر ادیان است، چون بر «پندار نیک و گفتار نیک و کردار نیک» تکیه دارد، پاسخ آنست که همه ادیان سفارش نموده اند که باید اندیشه و سخن و عمل پسندیده داشت. اختلاف بر سر آن است که پندار و گفتار و کردار نیک

به گونه فشرده به مفهوم اصلی این آیه اشاره می‌نماییم تا باشد غبارهای که مفهوم حقیقی این آیه را پوشانیده است زدوده باشیم.

در شان نزول این آیه مختصراً چنین می‌یابیم:

۱- برخی از خانواده‌ها در مدینه کودک خویش را نذر می‌نمودند که یهودی و یا نصرانی بگردانند هنگامی که مدینه با نور تابان اسلام روشن گردید خواستند اولادهای شان را که بزرگ شده بودند به اسلام جبراً گرویده بسازند در چنین حالتی این آیه نازل گردید.

۲- این آیه در مورد کسانی است که از آنها جزیه ستانیده می‌شود، و این آیه افاده می‌نماید که نباید با کسانی که به دادن جزیه گردن نهادند جنگ شود تا گرویده اسلام گردند زیرا کسانی که از آنها جزیه ستانیده می‌شود با دادن جزیه، قتال آنها ساقط می‌گردد.

پس این آیه از قتال با کسانی که به دادن جزیه آماده می‌شوند منع می‌کند تا آن‌ها را جبراً به اسلام داخل نمایند و این را اکراه گویند و اگر به شان نزول اولی نیز بنگریم تفاوتی با مورد دوم ندارد، این است معنای شرعی اکراه در این آیه نه آن چنان که برخی می‌پندارند. (مُصحح)

کدامست؟ آیا شما گمان می‌کنید که اندیشه شرک‌آمیز و پرستش فرشتگان و شستشوی با ادرار گاو و ازدواج با محارم از جمله پندارها و کردار نیک اند؟! گاهی می‌گویند: اسلام با دشمنان و مخالفان خود ستیزه می‌کند، ولی آئین زرتشت دین آشتی و نرمی است!

پاسخ آن است که: متأسفانه آگاهی شما از آئین خودتان ناقص است، در گاتها که کهن‌ترین و مطمئن‌ترین بخش اوستا شمرده شده می‌نویسند: «جای فساد و زوال از آن کسی است که به دین دروغین^(۱) گرویده است، این خوارشمرندگان آئین مقدس برآنند که دینداران را پست نمایند و تن آنان به گناه آلوده است، کجا است نگهبان آئین آن سرور دادگر، تا آنان را از **زندگی و آزادی** بی‌بهره سازد» (گاتها، ترجمه ابراهیم پور داود، صفحه ۱۴۷).

شبهات دیگری نیز در میان آورده اند که به رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌کنیم و همه را به تقوای الهی و بیم از محاسبه روز رستخیز سفارش می‌نماییم.

مصطفی حسینی طباطبائی

دعوتگر اسلامی

(۱) - مقصود دین غیر زرتشتی است.